

**نویسنده:** پیپ اسکوبار (Pep Escobar).  
**منبع و تاریخ نشر:** انفارمیشن کلرنگ هوز «2013-11-23».  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

## کنجکاوی: چرا ایالات متحده امریکا افغانستان را ترک نخواهد کرد؟

Digging in: Why US Won't Leave Afghanistan ?

«2013-11-23» انفارمیشن کلرنگ هوز: ما آمدیم، ما مشاهده کردیم و ما برای همیشه در اینجا باقی می مانیم! اینست عصاره و جوهر از موافقت نامه ای امنیتی دوطرفه بین اداره اوباما و افغانستان بیش از «12» سال پس از آغاز جنگ بی پایان علیه تروریسم.

ریس جمهور اوباما و آقای جان کیری وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا این توافق نامه را به مثابه مشارکت ستراتیژیک تعریف و توصیف نمودند، اگر اینچنین باشد پس در مورد میتوان اذعان کرد که این موافقتنامه یکی از نامتوازن ترین موافقت نامه در تاریخ افغانستان بایک کشور بوده میتواند و این تنها حامد کرزی ریس جمهور افغانستان است که بیش از یک عروسک خیمه شب بازی دوخته شده ای بی عیب و نقص ایالات متحده امریکا چیزی دیگری نخواهد بود.

وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا جان کیری بروز چهارشنبه در واشنگتن طی یک اعلامیه حتی قبل از تدویر لوه جرگه (شورای بزرگ قومی) از موافقتنامه امنیتی دوجانبه بین اداره اوباما و افغانستان خبر داد که به منظور جروبحث و مشوره پیرامون این موافقتنامه دو جانبه به تعداد «2500» نمایندگان و سران اقوام و قبایل اعم از روحانیون، اعضای اولسی جرگه همه باهم در خیمه واقع در پوهنتون پولی تخنیک کابل حضور باهم می رسا نند.

قابل تذکر است و آن اینکه احتمالاً این آخرین سخنرانی مهم آقای حامد «کرزی» به حیث ریس جمهور افغانستان در لویه جرگه مشورتی خواهد بود که با صحبت های مضحک شرین زبانی افسانوی و ملمعه کاری اش توجه حاضرین را بخود جلب خواهد کرد او میداند اوست که به نسبت فروش پایین از رودخانه ای «پنجشیر» متهم خواهد شد او همچنان بخوبی این را میداند که او تمامیت و حاکمیت ملی افغانستان را برای سال های متمادی آینده به خطر می اندازد خطری که با مقاومت شدید ی مواجه خواهد شد.

او یک بار دیگر به حیث حامد هدایت شنو نقش مرد اول را میخواهد بازی نماید بازی دلالی با جعل هویت کارگزار صادقانه مبنی بر تاکید بر موافقتنامه ای امنیتی دوجانبه تا

از سرگیری انتخابات ریاست جمهوری ماه اپریل «2014» و امضای این توافقنامه توسط جانشین اش .

**نما یشنا مه بلند بالا:** او یعنی حامد «کرزی» چنین میگوید: بین من و امریکایی ها یک بی اعتمادی وجود دارد. آنها بمن اعتماد ندارند، و من به آنها اعتماد ندارم، من همیشه آنها را مورد انتقاد قرار داده ام و آنها همیشه در پشت سرم چیزهای منفی را تبلیغ نموده اند. من در افغانستان به جرگه و به حاضرین جرگه یا به آنها یک چهره های خشن ناهموار قبیلوی و چهره های نفوذ ناپذیر دارند چسان به آنها نگاه خواهم کرد و من میدانم که آنها به ارتباط موضوع در کابل چطور می اندیشند؟ البته که آنها بالای امریکایی ها اعتماد ندارند پس در این صورت آنها آیا بالای «کرزی» اعتماد خواهند داشت؟ آیا آنها این را نخواهد دانست که این همه در واقعیت یک تمثیل و یک اکت است؟

این جرگه چنانچه از نام آن پیدا است یک جرگه مشورتی است و به هیچ وجه صلاحیت تصویب موافقتنامه امنیتی دو جانبه بین اداره اوبا ما و افغانستان را ندارد و به همین لحاظ بود که صبغت الله ریس این لویه جرگه مشورتی طی صحبت اش گفت که لازم نبود تا پیرامون این سند موافقتنامه جرگه دعوت شود و یا در مورد مشوره گرفته شود، بلکه این اصرار حامد «کرزی» ریس جمهور افغانستان می باشد که او نمی خواهد بیرون توافق و فیصله جرگه مشورتی این سند را توشیح نماید .

نباید فراموش گردد و آن اینکه اکثر اعضای پارلمان افغانستان و تمام مخالفین دولت افغان با عدم حضور شان جرگه مشورتی را تحریم کردند و از جانب هم از طالبان از کسانیکه در معضله و در موضوع مورد مشوره کاملاً ذیدخل پنداشته میشوند از آنها اقلاً ذکری بعمل آورده نشد و یا از حزب اسلامی افغانستان که تا هنوز مسلح و علیه دولت در جنگ وجدال است کسی از آن یادی نکرد. مهمتر از همه اینکه همه کس در انتظار شنیدن حرف های ملا عمر رهبر طالبان کابوکی بود ( کابوکی نام گونه ای از تیاتر جاپانی است که شهرتش به دلیل سبک درام آن و نوع لباس زینتی بازیگرانش می باشد)، این واژه از ترکیب سه نویسه ای کاجی تشکیل شده است که از چپ به راست به معنی آواز، رقص و مهارت می باشد، و یا به اصطلاح دیگر تیاتر پیشرو... **از مترجم** )

**مبارزه رایگان با تروریسم برای همه:** بحث و مذاکره پیرامون موافقتنامه امنیتی دو جانبه بین اداره بارک اوبا ما و افغانستان به مفهوم طرح مونتی پیتون ( به مفهوم طرح زنده گی تمسخر آمیز سرگرم کننده ای مخاطبان آموزه های کاتولیک ) می ماند و آن بدین معنی که واشنگتن همواره اصرار داشته که سربازان امریکایی بخاطر مصونیت دایمی و شخصی شان حق دارند که بیرون هیچ بهانه و موانع داخل خانه های افغانها شوند و شورشیان را دستگیر نمایند، ولی اگر این خواسته ای واشنگتن برآورده

نشود پس ما میتوانیم بیدون تعلل افغانستان را بعد از سال «2014» بحال خودش رها کرده و بک اردو ملی آموزش دیده ضعیف و ناتمام و وسیعاً فاسد و نابکار را در جنگ با طالبان پشت سر خواهیم گذاشت .

بنابراین در نظر داشت مطالب فوق الذکر میتوان چنین استنباط کرد که اداره آقای بارک اوباما تا آخرین فرصت از کار و پیکار بازی های و نقش شریکارانه ها و ملعمه بازی های حامد کرزی استفاده خواهد کرد و با او در این زمینه از هیچ نوع معامله دست نخواهد کشید و به همین منظور است که آقای اوباما برای آنکه کرزی بتواند در زمینه نقش خود را برای ارضای خاطر اوباما بجا آورد از اوباما عنوانی ادرس خود نامه ای بامتن قبلاً بینهم طرح شده را درمی یابد تا بتواند این نامه را به مخاطبان لویه جرگه مشورتی هنگام سخنرانی اش قرائت نماید ..

از سوی دیگر مشاور امنیتی ملی ایالات متحده امریکا سوزان رایس (Susan Rice) طی صحبتی چنین می فرماید : «واشنگتن ضرورت آنرا نمی بیند که از قتل و قاتل و مجروحین ملکی های افغان طی ده سال جنگ یعنی از سال (2001) بدینسو عذر خواهی و یا طلب معذرت نماید ولی او از اشغال گسترده و وسیع این سرزمین هیچ یاد اوری نه نمود که به اجازه کدام مقامات ذیصلاح به اشغال این کشور پرداختند این مطلب را سنخگوی حامد کرزی در یک صحبت خبری اش بیان داشت .

بهر صورت اگر شما در مورد حرف های سوزان رایس کدام شک و اشتباه داشته باشید میتوانید به حرفها و سخنان سناتور ایالات متحده امریکا آقای لندسی گراهیم (Lindsay Graham) گوش فرا دهید که در مصاحبه با آژانس رویتر چنین میگوید : من در حیرتم که عذر خواهی ما امریکایی ها از برای چه ؟ بلکه ما باید از ریس جمهور افغانستان آقای حامد «کرزی» بخواهیم که اوشان از سربازان ما امریکایی ها معذرت بخواهد و یا سپاس نماید که با قبول چه زحمات توانستند همه چیز را برای او مساعد و آماده ساختند .

در اینجا هیچ چیزی مبنی بر اشغال افغانستان توسط نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا پنهان باقی نمانده است نیروهایکه به اصطلاح در تربیه و آموزش «35000» سرباز و پولیس افغانی که بخشی از اوردی ملی افغانستان را تشکیل میدهد در طول چند سال گذشته صورت گرفته است .

ولی آنچه که ما اکنون پیرامون آن صحبت میکنم در مورد معامله و زد بندی است که آغاز این زد و بند در سال (2015) صورت میگیرد و تا سال (2024) و یا فراتر از آن دوام خواهد داشت .

باید یاد اور شد و آن اینکه سند توافق نهایی از درافت و طرح پیش نویسی که به بیرون درز نموده بودند از هم متفاوت نبود ، نسخه تازه و جدید این توافقنامه طی این

هفته در پنتاگون و در کنگرس امریکا توزیع گردید و پنتاگون توسط ریس ستاد کل جنرال مارتین دیمپسی (Martin Dempsey) این سند را به کنگره پیشکش و پیرامون محتویات و مندرجات آن به کنگره توضیحات ارائه فرمود که در متن این سند بطور کل از موضوع حفظ امنیت و مصونیت در افغانستان و کمک های بیرونی به آن کشور کمک های که نباید قطع شود بیشتر یادآوری شده است .

در محتوی این سند از ایجاد پایگاه های نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان نیز تذکر بعمل آمده و آن بدین منوال که نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا علاوه از پایگاه های ایجاد شده که کاملاً در انحصار شان خواهد بود از پایگاه های دیگر متعلق به نیروهای اردو ملی افغانستان در مواقع ضروری نیز استفاده خواهند کرد و عمده ترین این پایگاه های متعلق به نیروهای امریکایی در بگرام ، قندهار ، جلال آباد و مزار شریف موقعیت داشته میباشد . و مجدداً یاد اور میشویم که این پایگاه های نظامی در افغانستان ناگذاشته پایگاه های امپراتوری ایالات متحده امریکا میباشد پایگاه های که پروسه ایجاد و تنظیم آن در تحت نظر راجا لمیرس جانسن (Charlmers Johnson) سروصورت داده شده است .

جنرال ناوگان بحری ایالات متحده امریکا جوزف دنفورد (Joseph Dunford) ، آمر و فرمانده کل نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو در افغانستان به مقامت مربوطه طی پیشنهاد جدا گانه تاکید ورزیده که بعد از سال «2014» باید به تعداد «13000» سربازان امریکای باقی بمانند البته به اشتثنای این تعداد سربازان کارد امنیتی و نیروهای عملیاتی عاجل و برترین ها و باندهای ضد تروریسم نیز در افغانستان باقی خواهند ماند، قابل یاد اوری است که طبق توافق دوجانبه چنین فیصله بعمل آمده است که این نیروهای باقی مانده در افغانستان به ترینگ و آموزش اردو ملی خواهند پرداخت و در قلع و قمع القاعده و متحدین آن در صورت ضرورت عملیاتی مشترک را با نیروهای اردو ملی افغانستان علیه تروریسم انجام خواهند داد .

**ترجمه و تفسیر:** جشنواره ای حملات شبانه نیروهای عملیاتی خاص، و ضد تروریستی آزاد برای همه در آینده های نه چندان دور .

نکته با اهمیت دیگر اینکه در متن سند امنیت دوجانبه در مورد احترام به حاکمیت ملی افغانستان بصورت مبهم تذکر بعمل آمده است یعنی این موضوع بشکل روشن توضیح نگردیده است بلکه بیشتر به ارتباط امنیت و مصونیت افغان ها در خانه های شان تذکر بعمل آمده است و عین مضمون در نامه ارسالی آقای اوپاما به حامد کرزی نیز گنجانیده شده است .

موضوع مهم دیگری که از آن چشم پوشی شده است جابجا شدن هوآیماهای بیدون سرنیشن در پایگاه های نظامی در داخل افغانستان و بعد از اخذ مواد سوخت و حملات

بالای مردم بی گناه ملکی در مناطق قبایلی پاکستان را میتوان ذکر نمود که بصورت قطع در مورد آن چیزی در سند یاد دهانی نشده است .

**همه چیز بد و ر محور آسیا:** دولت نورالمالکی در بغداد توپی را بجلو پنتاگون گذاشت و از قبولی تامین امنیت قضایی سربازان ویا امنیت خودی نیروهای ایالات متحده امریکا سرباززد و آنرا ویتو نمود و به این اساس زمینه خروج نظامیان اشغالگر را از کشورش فراهم ساخت . ولی حامد کرزی دربخش خود چنان اجراءت می نماید که هر تقاضای امریکا را مجاز دانسته و آنرا بداخل یک جعبه میگذارد پس در اینصورت میتوان حدس زد که سوال کلیدی در چند ماه آینده ممکن است مشخص شود که در این جعبه چه خواهد بود؟ یا اگر او در افغانستان بماند ستایل محافظت او از ارزال و اوباش چه نوع خواهد بود ویا اگر او به امریکا رهسپار شود ممکن معادل برنامه های (FBI) که از بازدید کنندگان و مشاهده کنندگان محافظت بعمل می آورد محفوظ خواهد بود از سوی دیگر اگر اینطور فرض شود که لویه جرگه مشورتی این سند دوجا نبه امنیتی را مورد ( چونکه تا اکنون پیرامون آن اجرائت صورت نگرفته است) تایید قرار دهند وجانشین آقای کرزی آنرا (در صورتیکه اگر کرزی از موضع وموقف تنگاتنگ فعلی خود به عقب نرود) امضا نماید در آنصورت جعبه پاندر (جعبه تحایف) باز خواهد شد وبازدید کنندگان حقایق کتمان شده را مشاهده خواهند کرد .

**موضوع قابل تذکر اینست :** اشغال کشور توسط اشغالگران امریکایی بمنظور نیل به اهداف عملی وقبلاً مطرح شده شان ادامه خواهد یافت واین اهداف هیچ ربطی به مبارزه علیه تروریسم و جهاد وبود ونبود القاعده در افغانستان نخواهد داشت ویا ممکن به بهانه موجودیت تعداد ناچیزی از القاعده در وزیرستان مناطق قبایلی بین افغانستان وپاکستان از پایگاه های نظامی انحصار شده ای افغانی اش به عملیات ها وتهاجم هواپیماهای بیدون شرنشین خواهد پرداخت وباعث قتل و مجروح شدن پشتون های غیرنظامی که اکثر شان طالبان می باشند در آن مناطق گردد وطالبان یا پشتونها نیز تا یک نفر اشغالگر در خاک افغانستان باقی بماند به حملات بهاری وتابستانی خود ادامه خواهند داد یعنی که جنگ ادامه خواهد یافت .

جنگ هواپیماهای بیدون سرنشین پنتاگون و سی آی ای (CIA) با استفاده از پایگاه های شان در افغانستان برای حمله علیه پشتونها در مناطق قبایلی پاکستان ادامه خواهد یافت ولی از سوی دیگر در موافقتنامه دوجا نبه امنیتی از چگونگی این پایگاه های نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان توضیح مشخص بعمل نیامده است که آیا این پایگاه ها صرف برای عملیات های نظامی مورد استفاده قرار میگرد ویا از آن در موارد دیگری نیز کار گرفته خواهد شد؟ و یا نیاز بد سترسی بیدون محدودیت به راههای ترانزیت از خیبرپاس وکوئته تا قندهار دیده میشود ویا چطور؟ مواردی اند که در سند مذکور توضیح

نگریده است، اما بهر صورت موضوع قابل تذکر نیست که اسلام آباد از کلاهبرداری و حصول مبالغ سنگین دالری امریکا به هیچ وجه دست بردار نخواهد شد. به ارتباط این سند امنیتی دوجا نبه و ایجاد پایگاه های نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان تا اکنون کسی نمیداند که واکنش سازمان همکاری های شانگهای از چه قرار است اما آنچه که هویدا است اینست که روسیه و چین شدیداً مخالف ایجاد این پایگاهها در افغانستان می باشند، ایران و هند دوعضو ناظر سازمان همکاریهای شانگهای علاوه از اینکه مخالف ایجاد پایگاه های مذکور می باشند دوکشوری اند که میتوانند از راه مذاکره و بیرون راه نظامی طالبان در حال نوسان را از افغانستان دور سازند.

ما از هر لحاظ در پایان این تذکرات فوق به این نتیجه میرسیم که از این وضع موجود باید یک تصویریا برداشتی داشته باشیم، ولی آنچه که از وضع موجود بر می آید چنین است بگونه ای مثال: واکنشگتن تصمیم دارد و یا تصمیم گرفته است که در آینده ای نه چندان دور منطقه مورد نظرناگذر باید آماده آستن یک نوع توسعه و انکشاف گردد و این انکشاف همانا مستقر ساختن سیستم دفاعی موشکی ایالات متحده امریکا در افغانستان میباشد ( قسمیکه همین اکنون سیستم دفاعی موشکی اش را در ترکیه مستقر ساخته است) روسیه و چین اکنون به حیث تماشاگران در منطقه ملاحظه می فرمایند که ایالات متحده امریکا در رقابت وسییالی در آسیای مرکزی دارد که عرصه اقتصادی را از دست میدهد و در عین زمان چینایی ها در معامله بعد از معامله در صدد آنند که با ایجاد راه ابریشم جدید استراتژی اقتصادی و سیاسی شان را در منطقه گسترش دهند. پس در اینصورت حدس شما در مورد ایالات متحده امریکا چه خواهد بود یعنی که به نظر شما برای امریکا در سفره ای این منطقه چی نوع غذای باقی خواهد ماند تا از آن لقمه زند؟ به گمان اغلب آنچه که برای امریکا باقی می ماند تنها این خواهد بود که با در نظر داشت دکترین پنتاگون قدیمی مرزهای روسیه و چین را از پایگاه های ایجاد شده اش در افغانستان نظاره خواهد کرد.

نکات چند در مورد نویسنده این مقاله: « پیپ ایسکوبار یک خبرنگار، تحلیلگر ، برای (RT) و TomDispatch و همکار دایمی برای سایت ها و نمایش رادیویی از ایالات متحده امریکا تا شرق آسیا میباشد .

باتقدیم احترام .